



دانشگاه پیام نور

آشنایی با تاریخ و روش‌های تفسیر قرآن

(رشته علوم قرآن و حدیث)

دکتر علیرضا جعفرزاده کوچکی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب کتاب

نه	پیشگفتار
سیزده	راهنمای مطالعه کتاب
۱	فصل اول: مباحث مقدماتی
۱	هدف کلی
۱	هدف‌های یادگیری
۲	۱-۱ مفهوم شناسی تفسیر
۲	۱-۱-۱ تعریف لغوی تفسیر
۳	۱-۱-۲ تعریف اصطلاحی تفسیر
۴	۱-۱-۳ واژه تفسیر در قرآن و روایات
۴	۱-۱-۴ نظریه توقیفی بودن تفسیر
۶	۱-۱-۵ تفسیر به رأی
۸	۱-۱-۶ فرق ترجمه و تفسیر قرآن
۹	۱-۱-۷ تأویل و بطن قرآن
۱۰	۲-۱ پیشینه تفسیر قرآن
۱۱	۳-۱ ضرورت تفسیر قرآن
۱۲	۱-۳-۱ اعجاز قرآن
۱۲	۲-۳-۱ نیاز دائمی به قرآن
۱۳	۳-۳-۱ امور عارضی
۱۳	۴-۱ تاریخ تفسیر قرآن
۱۴	۵-۱ روش تفسیر قرآن
۱۵	۶-۱ گرایش‌های تفسیری
۱۷	۱-۶-۱ گرایش ادبی
۱۷	۲-۶-۱ گرایش کلامی

۱۷	۱-۶-۳ گرایش اجتماعی
۱۸	۱-۶-۴ گرایش فقهی
۱۹	خلاصه فصل اول
۲۰	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول
۲۳	فصل دوم: تاریخ تفسیر قرآن
۲۳	هدف کلی
۲۳	هدف‌های یادگیری
۲۳	مقدمه
۲۴	۱-۲ تفسیر قرآن در عهد رسالت
۲۷۹	۱-۲-۱ تفسیر منقول از پیامبر اکرم ﷺ
۲۹۹	۱-۲-۲ شواهدی از تفسیر پیامبر اکرم ﷺ
۳۲۹	۱-۲-۳ تبیین جزئیات احکام شرعی توسط پیامبر اکرم ﷺ
۳۷	۲-۲ تفسیر در دوران صحابه
۳۸	۱-۲-۲ درجات متفاوت صحابه
۴۱	۲-۲-۲ صحابه مفسر
۶۳	۲-۲-۳ اعتبار تفسیر صحابه
۶۸	۲-۲-۴ ویژگی‌های تفسیر صحابه
۶۹	۳-۲ تفسیر در دوران تابعین
۷۰	۱-۳-۲ مدارس تفسیری
۷۴	۲-۳-۲ چهره‌های بارز تابعین
۸۹	۲-۳-۳ ویژگی‌های تفسیر تابعین
۸۹	۲-۳-۴ اعتبار تفسیر تابعین
۹۱	۲-۳-۵ مشهورترین مفسران پس از تابعین
۹۱	۴-۲ جایگاه اهل بیت: در تفسیر قرآن کریم
۹۱	۱-۴-۲ مفهوم شناسی اهل بیت علیهم‌السلام
۹۳	۲-۴-۲ قلمرو دانش اهل بیت علیهم‌السلام به کتاب آسمانی
۹۶	۲-۴-۳ حجیت قول اهل بیت علیهم‌السلام در تفسیر
۹۷	۲-۴-۴ نقش تأثیرگذار اهل بیت علیهم‌السلام در توسعه تفسیر و تربیت مفسر
۱۰۶	خلاصه فصل دوم
۱۰۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم
۱۱۳	فصل سوم: روش‌های تفسیر قرآن
۱۱۳	هدف کلی
۱۱۳	هدف‌های یادگیری
۱۱۳	مقدمه
۱۱۵	۱-۳ تفسیر نقلی

۱۱۵	۱-۱-۳ تفسیر قرآن به قرآن
۱۱۹	۲-۱-۳ تفسیر قرآن به روایت
۱۲۶	۲-۳ تفسیر عقلی - اجتهادی
۱۲۸	۱-۲-۳ مرز میان تفسیر اجتهادی و تفسیر به رأی
۱۳۰	۲-۲-۳ تفسیر اجتهادی جامع
۱۳۱	۳-۳ تفسیر عرفانی
۱۳۴	خلاصه فصل سوم
۱۳۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم
۱۳۹	پاسخ‌نامه
۱۴۱	منابع

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين

پیشگفتار

تفسیر قرآن همانند دیگر علوم اسلامی در حرکت از سرمنزل وحی تا به امروز، به پیشرفت و سیر تکاملی خود ادامه داده و به صورت دانشی روشمند و گسترده درآمده است. یکی از مهم‌ترین وظایفی که از جانب خداوند متعال به پیامبر اکرم ﷺ واگذار شده، براساس آیه «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» [نحل: ۴۴]؛ و این قرآن را به سویی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سویی ایشان نازل شده است توضیح دهی» تبیین و تفسیر قرآن است؛ بنابراین پیامبر ﷺ نخستین کسی است که به تفسیر آیات قرآن پرداخته و در طول عمر شریف خود بر این امر اهتمام ورزیده است. آن حضرت با تشکیل حلقه‌های درس به تربیت شاگردانی شایسته پرداختند. اما این دوران طلایی دیری نپایید و پیامبر ﷺ از بین مسلمانان رحلت کردند و آنان را با هزاران سؤال تنها گذارد. اینجا بود که احتیاج به تفسیر و تبیین قرآن آشکار شد؛ به ویژه که هر سال بر قلمرو مسلمانان در سرتاسر جهان افزوده می‌گردید و هزاران نفر با هزاران سؤال و فکر جدید با اسلام و مسلمانان روبه‌رو می‌شدند. مسلمانان به دنبال اصحاب، یاران و اهل بیت پیامبر ﷺ می‌رفتند و از آن‌ها تفسیر قرآن را می‌خواستند.

در میان انبوه صحابه، آنکه از همه بیشتر درخشید، امیرمؤمنان علی ع‌ک‌م بود. پس از ایشان به ترتیب: عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، اُبی بن کعب از دانش قابل توجهی در تفسیر قرآن برخوردار شدند. پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ به سبب فاصله گرفتن از زمان

نزول قرآن، گسترش دامنه فتوحات مسلمانان و ظهور مسائل علمی جدید، نیاز به تفسیر قرآن بیش از پیش احساس شد. بدین سبب، ابن عباس در مکه، عبدالله بن مسعود در کوفه، اُبی بن کعب در مدینه، ابوموسی اشعری در بصره و ابوالدرداء در شام، پراکنده شدند و هریک با تشکیل نشست‌های تفسیری، به تفسیر و تبیین قرآن پرداختند. دستاورد تلاش ایشان تربیت شاگردانی از تابعان و ظهور مکاتب تفسیری مختلف بوده است.

میراث گران سنگ تفسیر قرآن بدین ترتیب از تابعان به اتباع تابعان و... سینه‌به‌سینه گشت تا آنکه دوره تدوین نخستین تفاسیر قرآن فرا رسید و فصل نوینی در عرضه معارف بلند قرآن برای نسل‌های بعد در صفحه تاریخ گشوده شد و سبک‌ها و صبغه‌های گوناگون در تفسیر پدیدار گشت. با گذر ایام و بروز مکتب‌های فکری اعم از فلسفه، کلام، عرفان، تصوف و ظهور معتزله و اشاعره و... از دوره تدوین تاکنون، صدها تفسیر به‌طور کامل یا ناقص، توسط دل‌باختگان به قرآن با تحمّل مشقات فراوان و به‌خاطر خدمت به قرآن نگاشته شده‌است. همزمان با آشناسدن ملل دنیا با فرهنگ اسلام و علاقه جهانیان به پیام این دین، ضرورت معرفی قرآن به ایشان خودنمایی کرد.

وجود تاریخی به فراخنای چهارده قرن برای تفسیر قرآن و نیز ظهور روش‌های تفسیری مختلف و اهمیت بازیافت تلاش فرق اسلامی و دانشوران مسلمان برای دریافت معارف قرآن و توجه به بایستنی‌های تفسیر قرآن و ده‌ها موضوع دیگر در همین رابطه، همگان را به توجهی جدی به فصلی مهم در علوم قرآنی تحت عنوان تاریخ و روش‌های تفسیر قرآن وادار کرد.

در این راستا دفتر تدوین و تولید منابع آموزشی دانشگاه پیام‌نور، توجه خاص به تألیف در حوزه تاریخ تفسیر قرآن نموده و بر تحقیق در این کتاب مقدّس همّت خود را مصروف نموده است. نگارنده هم با همه توان و علاقه وافر، به تدوین و جمع‌آوری کتاب حاضر وقت صرف نموده و همه همّ خود را در این راه مصروف داشته است. از ویژگی‌های این کتاب این است که قبل از انتشار و در طی تدریس با افزودن فصل‌هایی تازه در کمال آن کوشیده شده‌است. از سوی دیگر در تدوین آن بهره‌های فراوانی از کتاب گران سنگ تفسیر و مفسّران، تألیف استاد مرحوم آیت‌الله معرفت رحمته‌الله نموده است.

اینک که این کتاب مورد استقبال دانشگاه پیام‌نور قرار گرفته، لازم است از زحمات خالصانه مسئولین و کارشناس محترم دفتر تدوین سرکار خانم قربانی، رئیس بخش حقوق و الهیات دانشگاه پیام‌نور، به‌ویژه همسر مهربانم و کلیه کسانی که به نحوی در انتشار این اثر همکاری داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی شود.

علیرضا جعفرزاده کوچکی

تبریز - ۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۷

راهنمای مطالعه کتاب

کتاب حاضر طبق سرفصل دروس دوره کارشناسی رشته الهیات و معارف اسلامی، مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نوشته شده است. سرفصل این درس به ارزش دو واحد شامل موضوعات زیر است:

۱. مباحث مقدماتی؛ مشتمل بر مفهوم‌شناسی تفسیر، تأویل، بطن، تفسیر به رأی، ترجمه قرآن، ضرورت تفسیر قرآن، تعریف روش تفسیری و گرایش تفسیری و... می‌باشد.
 ۲. تاریخ تفسیر قرآن؛ به سرگذشت تفسیر قرآن و تفاسیر آن و بررسی تحولات و سیر تکامل آن در عهد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، صحابه و تابعین می‌پردازد. در ضمن آن به نقش و جایگاه اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن نیز می‌پردازد.
 ۳. روش‌های تفسیر قرآن؛ مشتمل بر انواع روش‌های تفسیری است. این قسمت بر مبنای پذیرش نوع و نحوه استناد به منابع (عقل، نقل و شهود)، تدوین شده است. به دنبال هر فصل، خلاصه و سؤالات تستی مربوط به آن فصل و در پایان کتاب، پاسخ‌نامه تمامی سؤالات ارائه شده است. به دانشجویان عزیز توصیه می‌شود که در ابتدا سؤالات را حل نمایند، بعد برای اطمینان از پاسخ خود، به پاسخ‌نامه مراجعه کنند.
- سبک نگارش به زبان فارسی روان و قابل درک برای دانشجویان رشته الهیات و معارف اسلامی که کتاب‌های دوره راهنمایی و دبیرستان را خوانده‌اند، می‌باشد و در تدوین آن از منابع مختلف، اعم از شیعه و اهل سنت استفاده شده است.

امید است که هدف کلی و یادگیری این کتاب، دانشجویان را بر آن دارد که با اشتیاق و بصیرت بیشتر به قرآن اهتمام ورزند تا ضمن انس با آن، با تفسیر قرآن که در ماورای الفاظ و عباراتش حاوی اسراری تودرتو است، بیشتر آشنا شوند.

یادآوری می‌گردد که تمامی تاریخ‌های ولادت، وفات و شهادت اشخاص که در این کتاب بدان اشاره شده، بر اساس سال قمری است.

از اساتید محترمی که این کتاب را تدریس می‌نمایند، استدعا دارد، لغزش‌های قلم و سهو و نسیان را بر این نگارنده ببخشایند و امید است که پیشنهادهای دقیق و انتقادات سازنده خود را از طریق بخش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه پیام‌نور، برای اینجانب ارسال فرمایند. ضمن تشکر از آن سروران گرامی، نظرات و اصلاحات آن‌ها در چاپ بعدی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

توفیق روزافزون همه اساتید و دانشجویان را در راه نشر علم از درگاه ایزد منان خواهانم.

فصل اول

مباحث مقدماتی

هدف کلی

آشنایی دانشجو با تعریف تفسیر، ضرورت و پیشینه آن.

هدف‌های یادگیری

انتظار می‌رود که دانشجو پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. تفسیر را تعریف نماید.
۲. تفسیر به رأی را از تفسیر باز شناسد.
۳. تفاوت تفسیر با ترجمه را بیان کند.
۴. تأویل را توضیح دهد.
۵. درباره پیشینه تفسیر قرآن اظهار نظر کند.
۶. دلایل ضرورت تفسیر قرآن را برشمارد.
۷. تاریخ تفسیر قرآن، روش و گرایش تفسیری را توضیح داده و تبیین نماید.

مقدمه

تفسیر به عنوان مهم‌ترین رویکرد عالمانه به قرآن کریم از پیشینه دراز و کهن، در تاریخ اسلام برخوردار است. اگر بگوییم با نزول آیات قرآن همزاد بوده است، سخن به گزاف نگفته‌ایم. قرآن به مثابه سنگ زیرین بنای تفکر مسلمانان و مهم‌ترین سرچشمه افکار و

۲ آشنایی با تاریخ و روش‌های تفسیر قرآن

اندیشه‌ها و آموزه‌های اسلامی، همواره مورد توجه مسلمانان و اندیشمندان آنان بوده و به سبب اهتمام و مساعی بلیغ آنان در فهم معانی قرآن، آثار فراوانی پیرامون قرآن پدید آمد و این همه غیر از نوشتارهای گران سنگ و پرارجی است که مفسران در حیطه تفسیر نگاشته‌اند.

در این پهنه، تحولات ژرفی از آغاز تاکنون صورت گرفته است و نحوه نگرش تفسیرنگاران به وحی ربوبی و ابعاد فراخ آن و بنیه معرفتی و اختلاف عصر و مذاقشان در این تحول سهمیم بوده است. بحث از تطورات تفسیری از ابتدا تا به حال و چگونگی شکل‌گیری آن و همچنین بررسی مدارس و اسالیب و مکتب‌ها و مشرب‌ها و نیز جریان‌های گوناگون تفسیری و شناسایی تفاسیر و صاحبان آن و طبقات و مناهج مفسران، کاری بزرگ را خواهان است و ما برآنیم که با مدد الهی در حد توان، سیری در دانش تفسیر و تاریخ آن داشته باشیم؛ بنابراین ناگزیر خواهیم بود که ابتدا به پیدایش و ظهور آن نگاهی بیفکنیم تا بلوغ آن را در سده‌های اخیر نمایان‌گر سازیم. گرچه این گام نخستین نیست و بسیاری که - سعی‌شان مشکور باد - در این عرصه قدم گذارده‌اند.

۱-۱ مفهوم شناسی تفسیر

پرداختن به معناشناسی واژه تفسیر و تعبیر پیرامون آن، در فهم موضوع کتاب ضرورتی انکارناپذیر است. از سوی دیگر بررسی تطورات معنایی آن در گذر زمان و دوره‌های مختلف به ویژه عصر نزول قرآن کمک بسیار زیادی می‌کند. به همین منظور در ادامه به معناشناسی تفسیر و تعبیرهای مرتبط با آن خواهیم پرداخت:

۱-۱-۱ تعریف لغوی تفسیر

تفسیر از ریشه «فَسَّرَ» مصدر باب تفعیل است و لغت‌شناسان معانی متعددی برای این واژه آورده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: کشف مراد از لفظ مشکل؛ کشف معنای لفظ و اظهار آن؛ بیان نمودن معنای سخن؛ کشف معنای معقول؛ اظهار معنای معقول؛ آشکار ساختن امر پوشیده است. (ابن منظور، ۱۳۷۶: ماده «فسر»؛ فیروزآبادی، بی‌تا: ماده «فسر»؛ زبیدی، ۱۳۰۶: ماده «فسر»؛ طریحی، بی‌تا: ماده «فسر»؛ صفی‌پوری، ۱۳۸۹: ماده «فسر»؛ راغب اصفهانی، ۱۹۱۶: ماده «فسر»)

مباحث مقدماتی ۳

این نکته هم لازم به ذکر است که برخی مانند سیوطی در الاتقان و زرگشی در البرهان، «تفسیر» را مشتق شده از «سَفَر» دانسته‌اند. (سیوطی، ج ۲، ۱۳۶۳: ۱۹۲؛ زرگشی، ج ۲، ۱۴۰۸: ۲۸۴)

دلیل آنان بر این ادعا همگونی و تناسب معنای «فسر» و «سفر» (آشکارشدن) می‌باشد، اما طبق بررسی‌های انجام شده، این دو واژه، دو معنا و کاربرد متفاوت دارند؛ «فسر» اغلب درباره اظهار معنای معقول و آشکارکردن مطالب علمی و معنوی استعمال می‌شود و «سفر» در مورد آشکارکردن اعیان و اشیای خارجی و محسوس به کار می‌رود (بابایی و دیگران، ۱۳۷۹: ۶-۱۰)، بنابراین صرف همگونی و تناسب معنایی «سفر» و «فسر» دلیل بر اشتقاق و انشعاب از «سفر» نیست.

۱-۱-۲ تعریف اصطلاحی تفسیر

تفسیر در اصطلاح دانشمندان علوم قرآن همان «علم فهم قرآن» است. مهم‌ترین نکته در باب تفسیر عبارت از نقش این علم در پرده‌برداری از مدلول لفظ و بیان معانی است؛ در نتیجه، بیان معانی ظاهری لفظ تفسیر خوانده نمی‌شود و به تعبیر شهید صدر قدس سره: «پرده‌برداری و بیان در معنای تفسیر در جایی مطرح است که گزارشگر نوعی پنهان‌بودگی و پیچیدگی باشد تا از راه تفسیر، کشف و زایل گردد. ولی در جایی که سخن با معانی ظاهری و زودرس روشن می‌شود و لفظ معنای آن را آگاهی می‌دهد، تفسیر نامیده نمی‌شود، زیرا از چیزی پنهان پرده‌برداری نکرده است». (الامین، ج ۳، ۲۰۰۱: ۴۷)

تعریف این علم برای تشخیص محدوده تفسیر و میدان فعالیت این علم در فهم پیام قرآن بسیار مهم است، زیرا مشخص می‌کند کجا جای تفسیر و کجا جای برداشت از معنای ظاهری و ترجمان کلام است.

امین‌الاسلام طبرسی قدس سره در تعریف تفسیر می‌نویسد: «تفسیر، کشف مراد از لفظ مشکل است». (طبرسی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۳۹)

روشن‌ترین اشکال تعریف فوق، این است که این تعریف اعم از تفسیر قرآن است و نیز اختصاص دادن تفسیر به «لفظ مشکل» بی‌دلیل است؛ زیرا ممکن است واژه‌های به کار رفته در یک آیه معنای روشنی داشته باشد و از جهت لفظ، مشکلی در کار نباشد؛ ولی به دلیل نامعلوم بودن خصوصیات زمانی و مکانی و قرائن حالی و مقامی کلام و یا از

۴ آشنایی با تاریخ و روش‌های تفسیر قرآن

جهت علو معنا و مطلب، مراد گوینده نامعلوم بوده و نیازمند به تفسیر باشد و در یک جمله، این تعریف مانع اغیار و جامع افراد نیست؛ زیرا هم غیر تفسیر قرآن را شامل می‌شود و هم آن قسم از تفسیر قرآن را که به دشواری الفاظ مربوط نیست، فرا نمی‌گیرد. به‌همین منظور آیت‌الله معرفت رحمته معتقد است که تفسیر فقط کنارزدن نقاب از چهره لفظ مشکل و نارسا نیست، بلکه عبارت‌است از زدودن ابهام موجود در دلالت کلام. چه بسا ابهام مربوط به الفاظ نباشد، ولی همچنان هاله‌ای از ابهام بر چهره آن نشسته باشد. (معرفت، ج ۱، ۱۳۸۰: ۱۷)

با توجه به آنچه گذشت، شاید بهترین تعریف از علامه طباطبائی رحمته باشد که دانش تفسیر را این چنین تعریف کرده است: «تفسیر به معنای بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدالیل آن است». (طباطبائی، ج ۱، ۱۳۹۲: ۷)

۱-۱-۳ واژه تفسیر در قرآن و روایات

در قرآن مجید تنها در یک مورد کلمه «تفسیر» به کار رفته است که به معنی «شرح و تفصیل» است؛ «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا» [فرقان: ۳۳]؛ و برای تو مثلی نیاوردند، مگر آنکه ما حق را با نیکوترین بیان برای تو آوردیم». در پاسخ مشرکان مکه که همواره پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد شماتت قرار می‌دادند و در نبوت و رسالت حضرت تشکیک می‌کردند، قرآن پاسخ می‌دهد: و کافران برای تو هیچ مثلی نیاوردند مگر آنکه جوابی حق و خوش‌بیان‌تر برایت بیاوریم.

اما در روایات؛ اعم از روایات عامه (سنی) و امامیه واژه «تفسیر» و مشتقات آن بسیار دیده می‌شود. (مجلسی، ج ۹۲، ۱۹۸۳: ۱۰۷ و ۱۱۰؛ صدوق، ۱۹۷۰: ۵؛ فخررازی، ج ۷، بی تا: ۱۴۸؛ قرطبی، ج ۱، ۱۳۸۷: ۳۲)

۱-۱-۴ نظریه توقیفی بودن تفسیر

توقیفی بودن تفسیر قرآن به این معنی است که تفسیر آیات قرآن فقط به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بوده و غیر از ایشان کسی نمی‌تواند به توضیح و تبیین آیات قرآن بپردازد، مگر اینکه حدیث یا نقلی صحیح و روشن از ایشان رسیده باشد و اجتهاد و نظر شخصی دیگران در این میان جایی ندارد.

آیت الله معرفت قدس سره در این زمینه می نویسد: در میان سلف گاهی مشاهده می شود که از تفسیر قرآن سر باز زده اند؛ می ترسیده اند از روی ندانستن، سخنی به خدا نسبت دهند، یا ناخواسته قرآن را به رأی خود تفسیر کنند که در شرع از آن منع شده است. عده ای از متأخران هم در این نظر از آنان پیروی کرده و از تفسیر قرآن - جز در مواردی که حدیث یا نقلی صحیح و روشن بر آن وجود دارد - امتناع ورزیده اند.

طبری از ابومعمر نقل می کند که ابوبکر گفت: کدامین زمین مرا بر خود خواهد پذیرفت یا کدامین آسمان بر من سایه خواهد افکند، آنگاه که من درباره کتاب خدا سخنی از روی ندانستن بگویم و در روایتی دیگر از ابوبکر است که گفت: آنگاه که من به رأی خود در تفسیر قرآن سخنی بگویم. (طبری، ج ۱، ۱۹۷۲: ۲۷) این مطلب را ابوبکر، زمانی بر زبان راند که از او درباره واژه «أب» در آیه مبارکه «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ... وَفَاكِهَةً وَأَبًّا» [عبس: ۳۱-۳۲]؛ و در آن دانه ها رویانندیم... و میوه و چراگاهی سؤال کردند. جلال الدین سیوطی نیز عین این مطلب را نقل کرده است. (سیوطی، ج ۶، ۱۳۷۷: ۳۱۷)

همچنین از عمر روایت شده که وی سخن گفتن درباره آیه فوق الذکر را دشوار دانسته، معتقد بوده است که باید درباره آن سخن نگفت و تفسیر آن را به خدا واگذار نمود. سیوطی روایت کرده که عمر بر روی منبر این آیات را قرائت نمود: «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا ... وَفَاكِهَةً وَأَبًّا» [عبس: ۳۱-۲۷] تا رسید به کلمه «أَبًّا» آنگاه گفت: همه واژه های قبلی را دانستم ولی «أَب» به چه معناست؟ سپس عصایی را که در دست داشت تکان داد و اظهار کرد: به خدا سوگند، ورود در این مطالب تکلف است، تو را چه رسیده است که معنای «أَب» چیست؟ آنچه از کتاب خدا که برایتان بیان شده است پیروی کنید و بدان عمل نمایید و آنچه را هم که نمی دانید به خدا واگذار کنید. (سیوطی، ج ۶، ۱۳۷۷: ۳۱۷؛ طبری، ج ۳۰، ۱۹۷۲: ۳۹)

ابن کثیر در این باره می گوید: این روایات و گزارش ها که از پیشوایان سلف به ما رسیده است بر این حمل می شود که آنان از تفسیر مواردی که از آن آگاهی نداشته اند پرهیز می کرده اند. اما کسی که از روی آگاهی و دلیل لغوی و شرعی تفسیر کند بر او باکی نیست. بنابراین از اینان و دیگران اقوالی در موافقت با تفسیر قرآن رسیده که منافاتی با روایات قبلی ندارد؛ زیرا آنان مواردی را که آگاهی داشتند، تفسیر می کردند و درباره آنچه که نمی دانستند سکوت اختیار می کردند. که همین هم وظیفه همگان است؛

زیرا همان‌طور که سکوت در مقابل مجهولات، پسندیده و لازم است سخن گفتن درباره آنچه بدان آگاهند به هنگام پرسش و سؤال از ایشان هم لازم است، به دلیل آیه مبارکه: «لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ [آل عمران: ۱۸۷]؛ که حقایق کتاب آسمانی را برای مردم بیان کنید و کتمان نکنید». (ابن کثیر، ج ۱، بی تا: ۶) عین همین مطلب را ابن تیمیه در مقدمه تفسیرش آورده است. (ابن تیمیه، ۱۳۸۵: ۵۵)

ابن جریر طبری می‌گوید: پرهیز علمای سلف از تأویل و تفسیر قرآن، تنها به خاطر بیم از عدم ادای تکلیف بوده است؛ یعنی هراس داشتند که به قول صواب در تفسیر دست نیابند، نه اینکه آن عده از علمای امت که در زمان نزول نبوده‌اند از تأویل قرآن منع شده باشند. (طبری، ج ۱، ۱۹۷۲: ۳۰)

دلیل بر درستی این مطلب آن است که کسانی که از تفسیر قرآن استنکاف کرده‌اند، تعداد بسیار اندکی از صحابه و تابعان بوده‌اند، اما اکثریت قاطع علمای سلف و صحابه آگاه و بصیر، با عنایت زیادی به تفسیر قرآن همت گماردند که اقوال آنان امروزه بخش اعظمی از سرمایه ارزشمند تفسیری ما را تشکیل می‌دهد. (معرفت، ج ۱، ۱۳۸۰: ۴۹-۵۴)

۱-۵- تفسیر به رأی

تفسیر به رأی یا تحریف معنوی، روشی نکوهیده در فهم و تبیین قرآن کریم از جمله مباحث پرچالش قرآنی است. با توجه به هشدار مکرر روایات از آن، از آغاز مورد توجه مفسران و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است. از این جهت در مقدمه عموم تفاسیر فریقین و نیز کتب علوم قرآنی از آن گفتگو شده است. (ر.ک: صدوق، ۱۹۷۰: ۵؛ حرّ عاملی، ج ۲۷، ۱۳۹۷: ۱۹۰؛ مجلسی، ج ۹۲، ۱۹۸۳: ۱۰۷ و ۱۱۰؛ فخررازی، ج ۷، بی تا: ۱۴۸؛ قرطبی، ج ۱، ۱۳۸۷: ۳۲)

در منابع حدیثی و تفسیری فریقین، روایات فراوانی در نکوهش تفسیر به رأی آمده و بر این مبنا، این شیوه تفسیری - که در واقع تحمیل بر قرآن و تطبیق قرآن بر رأی مفسر است نه تفسیر - در نظر بیشتر مفسران، ناپسند و غیرمعتبر شمرده شده است. تفسیر به رأی یعنی هر کس قرآن را بر رأی و نظر خود حمل کند و بر مبنای رأی خود تفسیر کند و به مقتضای شواهد الفاظ و قرائن عمل ننماید. اگر سخن او مطابق با واقع هم باشد باز به خطا رفته است. (طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ۱۳۸۲: ۴۰)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مردم در اثر تفسیر آیات متشابه به هلاکت می‌افتند؛ زیرا بر معنای آن آگاهی نیافته و حقیقت آن را درک نکرده‌اند و با نظر خویش آن را تأویل می‌کنند و خود را در پرسش از اوصیاء علیهم السلام بی‌نیاز می‌دانند و حقیقت امر را از آنان جويا نمی‌شوند. (معرفت، ج ۱، ۱۳۸۰: ۷۲)

آیت‌الله خویی رحمته الله می‌نویسد: شاید تفسیر به رأی این باشد که فرد به‌طور مستقل و بدون مراجعه به کلمات ائمه علیهم السلام در موردی نظر دهد، درحالی‌که معلوم است که ائمه علیهم السلام عدل و همتای قرآن‌اند و در موقع تمسک به قرآن مراجعه به آنان واجب است. بنابراین اگر انسان به عموم یا اطلاقی که در قرآن وارد شده بدون فحص از تخصیص یا تقیید موجود در بیانات ائمه علیهم السلام عمل کند، تفسیر به رأی است. (خویی، ۱۳۹۴: ۲۸۷)

فقهاء در تفسیر آیه «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» [مائده: ۳۸]؛ دست مرد و زن دزد را ببرید، در موضع قطع دست سارق اختلاف نظر دارند. این اختلاف ناشی از ابهامی است در تعبیر ید (دست) که آیا از کتف به حساب می‌آید یا از آرنج یا ساق یا مچ یا بن انگشتان؟

عیاشی در تفسیر خود روایت می‌کند: دزدی را نزد معتصم خلیفه عباسی آوردند. دزد اقرار کرد، خلیفه دستور داد تا بر او حد جاری شود. سپس فقها را احضار و از آنان درباره اجرای حد سرقت استفتاء کرد. امام جواد علیه السلام نیز حضور داشت. هنگامی‌که معتصم از موضع قطع دست سارق پرسید، ابن ابی داود پاسخ داد: از مچ دست و مستند او در این فتوا آیه تیمم بود چون در آن آیه مقصود از دست - که به زمین زده می‌شود - کف دست است. عده‌ای با او هم نظر شدند و دیگران با استناد به آیه وضو گفتند: موضع قطع آرنج است. خلیفه روی به جانب امام جواد علیه السلام کرد تا نظر آن حضرت را بداند. امام علیه السلام عذر خواست ولی خلیفه نپذیرفت و امام علیه السلام را قسم داد تا نظر خود را بیان فرمایند. امام علیه السلام فرمود: حال که مرا قسم دادی باید بگویم که ایشان (فقهای بغداد) در این فتوا برخلاف سنت پیامبر صلی الله علیه و آله نظر دادند. دست سارق باید از بن انگشتان قطع شود و کف دست بر جای ماند. معتصم پرسید دلیل شما چیست؟ حضرت پاسخ داد: سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: سجده باید بر هفت موضع استوار شود؛ پیشانی، دو کف دست، دو سر زانو و دو پا؛ بنابراین اگر دست سارق از مچ یا آرنج قطع گردد دیگر برای او دستی که در موقع سجود بر زمین نهد باقی نمی‌ماند. و این درحالی‌که خداوند